



دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی  
پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

# تصحیح دیوان حیدر کلوج هروی

شاعر نیمه قرن دهم هجری

استاد راهنما:

دکتر سیدعبّاس محمدزاده رضایی

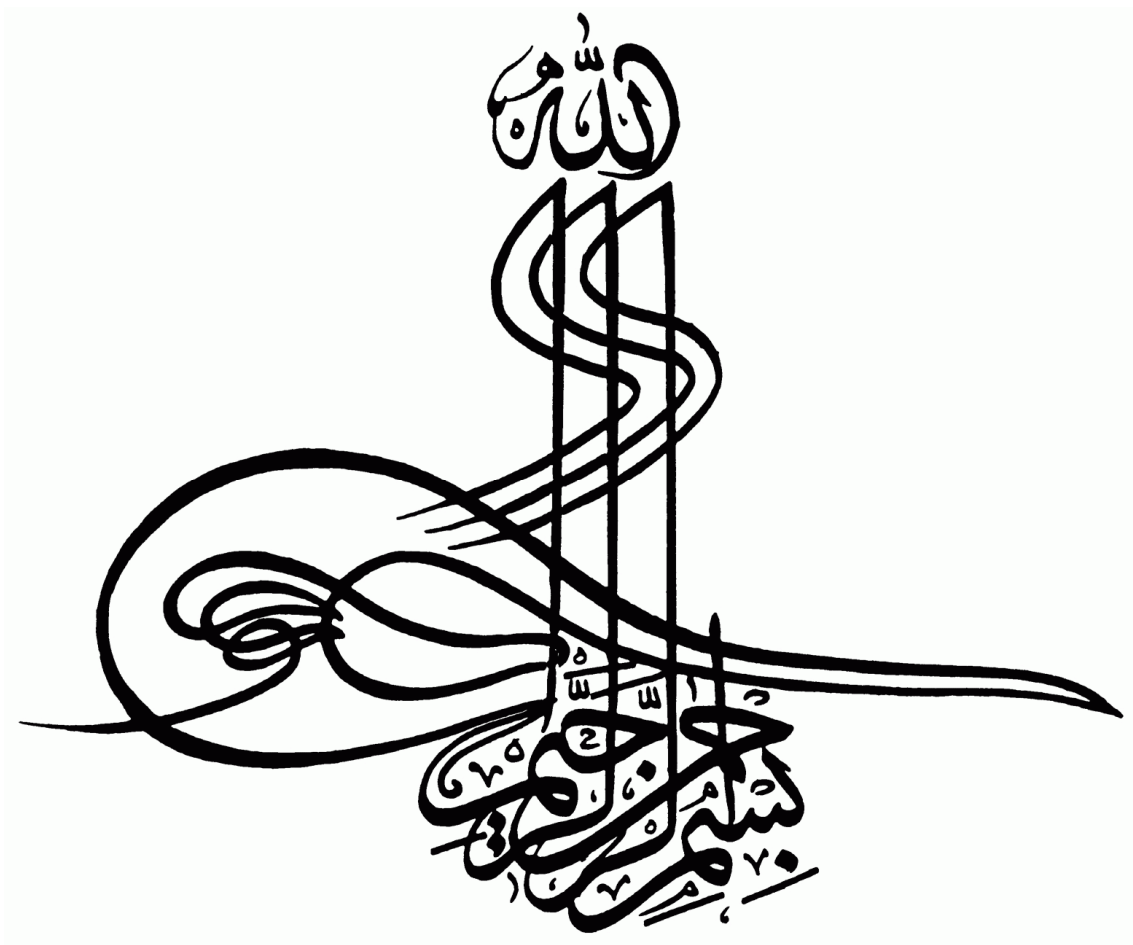
استاد مشاور:

دکتر محمدجواد مهدوی

دانشجو:

سارا کُرد

تابستان ۱۳۸۹



## سپاس‌گزاری

پروردگار بزرگ و مهربان را سپاس می‌گویم که عزیزانی را در مسیر راهم قرار داد که حضورشان، قوت قلبم، راهنمایی‌شان تکیه‌گاهم و تشویق‌هایشان مایه امیدم بود. به‌خاطر تمام لحظه‌هایی که صبورانه به من درس و اخلاق آموختند، از آنها سپاس‌گزارم:

استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر سید عباس محمدزاده که از راهنمایی‌های محققانه ایشان برای انجام این پژوهش بسیار بهره بردم.

استاد مشاور گرانقدر، جناب آقای دکتر محمدجواد مهدوی که دلسوزانه و با دقت نظر فراوان، مرا راهنمایی و هدایت نمودند.

خانواده عزیزم؛ پدر مهربان، مادر صبور و همراه و برادران خوبم که همواره حامی و پشتیبانم بوده‌اند.

یازان مهربان به‌ویژه طاهره زارعی عزیزم که همراهی و همدلیش، همیشه مایه دلگرمیم بوده است.

امید که خداوند ایشان را همواره سلامت و برقرار و بردوام بدارد.



بسمه تعالی

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: تصحیح دیوان حیدر کلوچ هروی		
نام نویسنده: سارا گُرد		
نام استاد(ان) راهنما: دکتر سیدعبّاس محمدزاده رضایی		
نام استاد(ان) مشاور: دکتر محمدجواد مهدوی		
رشته تحصیلی: زبان و ادبیات فارسی	گروه: زبان و ادبیات فارسی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
تاریخ دفاع:	تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۷/۱۲	
تعداد صفحات: ۲۲۷	مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد ● دکتری ○	
چکیده رساله/پایان نامه: حیدر هروی به گفته گلچین معانی در کاروان هند از شاعران خوب سدهٔ ده هجری است که چنانکه باید شناخته نشده است. شناخت هرچه بیشتر این شاعر و بررسی سبک شعر وی، بویژه در قیاس با مکاتب شعری رایج در سدهٔ ده هجری، ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنین لزوم ارائه صورت صحیح شعر وی با توجه به نسخه‌های خطی موجود، تصحیح دیوان شعر وی را ایجاب می‌کند. در این پایان‌نامه با اتکا به سه نسخهٔ خطی که در کتابخانه‌های دانشگاه تهران، مجلس شورای اسلامی و آستان قدس رضوی نگهداری می‌شوند، تصحیحی از این دیوان ارائه شده است. با توجه به رواج مکتب وقوع در دورهٔ حیات شاعر، دربارهٔ قرابت شعر حیدر هروی به این مکتب شعری بحث شده است. هم‌چنین ویژگی‌های سبکی و ارزش‌های ادبی آن مورد تحقیق قرار گرفته است.		
امضای استاد راهنما:	کلید واژه:	۱. دیوان حیدر هروی
تاریخ:		۲. تصحیح
		۳. سبک وقوع

## فهرست مطالب

پیش‌گفتار..... ۶

### فصل اول: کلیات

۱. بیان مسأله..... ۸
۲. سؤالات..... ۹
۳. فرضیه‌ها..... ۹
۴. روش تحقیق..... ۱۰

### فصل دوم: شناخت‌نامه حیدر هروی

۱. زندگی‌نامه حیدر کلوچ هروی..... ۱۲
۲. وضعیت شعر در دوره شاعر (قرن دهم)..... ۱۴
۳. ویژگی‌های سبک شعر حیدر کلوچ هروی..... ۱۵
- ۳-۱. کاربرد جناس..... ۱۶
- ۳-۲. کاربرد تکرار..... ۱۸
- ۳-۳. صور خیال..... ۲۰
- ۳-۴. درون‌مایه اشعار..... ۲۱
۴. معرفی نسخه‌ها..... ۲۳
- ۴-۱. نسخه کتابخانه بادلیان..... ۲۳
- ۴-۲. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی..... ۲۶
- ۴-۳. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی..... ۲۷
۵. روش تصحیح..... ۲۷

### فصل سوم: دیوان اشعار حیدر کلوچ هروی

۱. غزلیات..... ۳۶
۲. ساقی‌نامه..... ۱۸۶

۳. رباعیات..... ۱۸۸

### **فصل چهارم: تعلیقات**

تعلیقات..... ۱۹۱

فهرست‌ها..... ۲۲۱

کتابنامه..... ۲۲۵

## پیش‌گفتار

نوشته‌ها و آثار پیشینیان در گذشته به دلیل عدم امکان چاپ، به قلم خود آنان و یا به دست کاتبان مختلف نگاشته می‌شد. بدیهی است که تمام نسخه‌پردازان، دارای دقت، آگاهی و دانش یک اندازه نبودند. این امر موجب شده است که میان دست‌نوشته‌های باقی مانده از یک شخص، تفاوت‌هایی مشاهده شود که گاه منجر به انحراف معنایی می‌گردد و این خود سبب تردید و سردرگمی خواننده می‌شود. اهمیت این مسأله، لزوم تصحیح و مقابله نسخه‌های مختلف به‌جا مانده از آثار را ایجاب می‌کند که به نظر می‌رسد بدون پرداختن به آن و ارائه صورت صحیحی از نوشته‌های بزرگان، تحقیقات بعدی در زمینه آثار مذکور کامل نباشد. در همین راستا و تحت عنوان پایان‌نامه به تصحیح دیوان حیدر هروی کلوچ شاعر قرن دهم هجری، می‌پردازیم.

پایان‌نامه حاضر در چهار فصل تنظیم شده است:

فصل اول، شامل کلیات است که به بیان مسأله تحقیق، سؤالات، فرضیه‌ها، و روش تحقیق می‌پردازد. فصل دوم، شامل شناخت‌نامه حیدر هروی است که زندگی‌نامه حیدر هروی کلوچ، بررسی اجمالی شعر در دوره شاعر، تحقیق در سبک شعری حیدر هروی، معرفی نسخه‌های خطی موجود از دیوان وی، و نیز روش تصحیح را در بر دارد.

فصل سوم، متن دیوان شعر حیدر هروی است که شامل غزلیات، ساقی‌نامه و رباعیات وی می‌باشد. فصل چهارم، دربرگیرنده تعلیقات است که نکاتی را شامل می‌شود که بیان آنها به فهم شعر حیدر هروی کمک می‌کند.

بخش پایانی این پایان‌نامه، مربوط به فهرست اعلام (اشخاص، کتاب‌ها و مکان‌ها) و کتابنامه است.

فصل اوّل

# کلیّات



## ۱. بیان مسأله

یکی از رسالت‌های مهم اهل فرهنگ و ادب، شناخت و معرفی آثار پیشینیان است. متون ادبی از مهم‌ترین این آثار و در حقیقت ذخایر زبان و ادبیات فارسی هستند که توجه همه‌جانبه بدان‌ها، به این شناخت کمک شایانی می‌کند. در میان آثار ادبی، متون ارزشمند زیادی را می‌توان یافت که هنوز کاملاً شناخته نشده‌اند و بدیهی است که معرفی و شناساندن آن‌ها جز از رهگذر تصحیح و عرضه آن‌ها به خوانندگان، صورت نمی‌پذیرد.

بر این اساس، تصحیح اثری از میان متون ادب فارسی به عنوان پایان‌نامه، موردنظر قرار گرفت. برای انتخاب اثر، این مسائل در نظر گرفته شده است:

- ۱- اثری انتخاب شود که تصحیح نشده باشد. چون آثار شاعران درجه اول ادب فارسی، غالباً تصحیح شده‌اند، بنابراین متن به آثار شاعران درجه دوم اختصاص یافت.
- ۲- توجه به قدمت اثر نیز مدنظر بوده است و سعی بر آن بود ترجیحاً متن متعلق به پیش از قرن ۱۱ هجری باشد.
- ۳- به موجب علاقه شخصی اثر منظوم ارجح می‌نمود.

برای انتخاب متن، از منابع نسخه‌شناسی و فهرست‌های نسخ خطی استفاده شد. نهایتاً نسخه خطی دیوان حیدر هروی معروف به حیدر کلوچ از شعرای قرن دهم هجری، انتخاب شد. پس از مراجعه به فهرست‌های کتب چاپی (مشار و کتابخانه ملی) و اطمینان از چاپ نشدن این دیوان شعر، تصحیح اثر تحت عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مطرح شد.

این دیوان در اواسط قرن دهم و در دوره موسوم به دوره گذر از سبک شعری عراقی به هندی سروده شده است. جهت‌گیری اصلی این پایان‌نامه، تصحیح دیوان حیدر هروی است که این کار مستلزم نگارش مطالبی در جهت معرفی این شاعر و نیز تبیین جایگاه شعر وی در دوره‌ای که مکتب وقوع بر شعر فارسی حاکم است، می‌باشد.

## ۲. سؤالات

نگارنده درصدد است تا ضمن تصحیح دیوان حیدر هروی، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- با توجه به رواج مکتب وقوع در شعر فارسی در قرن زندگی شاعر (سده ده)، آیا می‌توان وی را یکی از پیروان این سبک دانست؟
- ۲- با توجه به اینکه سده ده هجری در شعر فارسی، حد فاصل دو سبک شعری عراقی و هندی را دربرمی‌گیرد، شعر حیدر هروی به کدام یک از این دو سبک قرابت و نزدیکی بیشتری دارد؟
- ۳- آیا نشانه‌های زبانی شعر این دوره مانند به‌کارگیری لغات عامیانه در شعر حیدر هروی دیده می‌شود؟
- ۴- قالب‌های شعری که شاعر در آن طبع‌آزمایی کرده و نیز موضوعات و درون‌مایه‌های عمده شعر وی کدام است؟
- ۵- صورت صحیح دیوان حیدر هروی با توجه به نسخه‌های خطی موجود، چگونه است؟

## ۳. فرضیه‌ها

فرضیه‌های این پایان‌نامه، به شرح زیر است:

- ۱- حیدر هروی شاعر قرن دهم هجری است و در این قرن، مکتب وقوع به شکل مشخصی در جریان است. نشانه‌هایی از زبان وقوع در غزل حیدر هروی دیده می‌شود.
- ۲- قرن ده در شعر فارسی، دوره گذر از سبک عراقی به سبک هندی است. به‌طور کلی سبک شعر حیدر هروی، به سبک عراقی قرابت و نزدیکی بیشتری دارد.
- ۳- به لحاظ زبانی، در دیوان حیدر هروی، برخی مختصات زبانی شعری این دوره، از جمله به‌کارگیری لغات عامیانه و عدم توجه به درستی جملات مشهود است.
- ۴- حیدر، در قالب‌های غزل و رباعی طبع‌آزمایی کرده است. همچنین وی ساقی‌نامه‌ای در ۵۰ بیت دارد. درون‌مایه اصلی شعر وی، غالباً عشق و بیان حالات عاشق و معشوق و نیز شکوه و شکایت از هجران است.

## ۴. روش تحقیق

پس از شناخت نسخ معتبر از دیوان حیدر هروی و گردآوری آنها، صورت منقحی از این اثر، به روش تصحیح بر مبنای نسخه اساس، ارائه شده است.

در بین نسخه‌های خطی موجود از دیوان حیدر هروی، نسخه کتابخانه بادلیان - که میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ف ۹۰۵ موجود است - کامل‌ترین و سالم‌ترین نسخه به شمار می‌رود. این نسخه اساس کار این تحقیق، قرار گرفته است. دو نسخه دیگر، در این تحقیق به عنوان نسخه بدل مورد استفاده قرار گرفته‌اند که عبارتند از: نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۸۴ که ۲۷۵ غزل حیدر را داراست؛ نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۴۶۴۰ که به منزله گزیده‌ای از اشعار حیدر هروی است و تنها هشتصد بیت از غزلیات را شامل می‌شود.

پس از تصحیح اثر، براساس منابع و اسناد موجود، درباره حیدر هروی و نیز شعر او در قیاس با مکاتب شعری رایج در آن زمان، تحقیق و بررسی شده است.

فصل دوم

## شناخت‌نامهٔ حیدر هروی

## ۱. زندگی‌نامه حیدر هروی کلوج

حیدر هروی از شعرای نیمه اول قرن دهم هجری است که به حیدر کلوج یا کلیچ شهرت دارد. در اغلب تذکره‌های قرن ده و یازده نوشته شده که چون حیدر به شغل کلوجه‌پزی اشتغال داشت، به این نام مشهور بوده است. سام‌میرزا در *تحفه سامی* بیان می‌کند که وی ابتدا به این حرفه اشتغال داشت و پس از آن شروع به شاعری کرد (سام‌میرزا، ۱۳۱۴: ۱۱۴). به همین سبب او را شاعری عامی دانسته‌اند که بی‌سواد و امی بوده ولی کلام برجسته می‌گفته و «در میدان فصاحت گوی بلاغت از همگان می‌ربوده» (واله‌داغستانی، ۱۳۸۴: ۵۶۳). اما صاحب تذکره روز روشن به نقل از *آفتاب عالم‌تاب* می‌گوید: «هرچه وجه انضمام لفظ کلیچ و کلیچه با تخلص او پیشه کلیچه‌پزی وی در شهر هرات نوشته‌اند [غلط فاحش است، بلکه مولدش کلوج بود که قریه‌ای است از توابع طارم بر کنار شهرود» (مظفرصبا، ۱۳۴۳: ۲۲۴)<sup>۱</sup> و بدین ترتیب کلوجه‌پز بودن وی را رد می‌کند.

به هر رو، حیدر اهل هرات و معاصر شاه‌اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰) و شاه‌طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۴) بوده است (اوحدی‌دقایی، ۱۳۸۸: ۱۱۱۲). از تاریخ ولادت وی، اطلاع دقیقی در دست نیست و هیچ‌یک از تذکره‌ها به این مطلب اشاره‌ای نکرده‌اند. وی پس از شهرت به شاعری به تجارت پرداخت و «بدین منظور گاهی سفر هند می‌کرد و معاشش از این راه می‌گذشت» (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۳۴۸).

درباره عجز حیدر هروی در تقریر و بیان، داستان‌های متفاوتی گفته‌اند؛ از جمله این که غزلی به مجلس امیرعلیشیر برده ولی نتوانسته معنی آن را ادا کند و غزلی به این مطلع را به‌عنوان عذرخواهی خوانده:

چنان طوطی صفت حیران آن آئینه رویم      که می‌گویم سخن اما نمی‌دانم چه می‌گویم

(نثاری‌بخاری، ۱۹۶۹م: ۲۱۵)

اما امیرعلیشیر، خود در تذکره *مجالس‌النفائس* و در بیان احوال حیدر هروی، می‌گوید: «بعضی یاران ظرافت می‌کنند که نیک و بد اشعار خود را امتیاز نمی‌تواند کرد، چنان‌که هرگاه این مطلع او را که «چنان طوطی صفت ... خواند و تعرض می‌کنند، متألم می‌شود و اگر تحسین می‌کنند، خوشحال می‌گردد» (۱۳۲۳: ۱۵۳).

سام‌میرزای صفوی و برخی دیگر از تذکره‌نویسان می‌گویند حیدر هروی مطلع فوق را حسب حال خود گفته است (سام‌میرزا، ۱۳۱۴: ۱۱۵؛ رحیم‌علیخان، ۱۳۴۹: ۱۵۱).

<sup>۱</sup> . در حال حاضر، روستای کلوج، از توابع شهرستان طارم، در استان زنجان واقع شده است (فرهنگ آبادی‌های ایران).

در تذکره مجمع‌الخواص حکایتی دیگر درباره این مطلع غزل بیان شده است:

«از استاد ما میرصنعی علیه‌الرحمه شنیدم که می‌گفت روزی با شعرا گردش می‌کردیم، به مولانا حیدر برخوردیم و معنی یکی از ابیاتش را پرسیدیم و مولانا در تقریر معنی عاجز مانده بالبدیهه این مطلع را گفت: چنان طوطی صفت حیران آن آئینه رویم / که می‌گویم سخن اما نمی‌دانم چه می‌گویم» (صادقی کتابدار، ۱۳۲۷: ۱۶۸).

هم‌چنین گفته‌اند که وی به مطلع یکی از غزل‌های خود بسیار علاقه داشته است. داستانی در این باره نقل شده که زمانی کتابی از حیدر مفقود شده و وی به یکی از نزدیکانش مشکوک بود، آن شخص هرچه به کلام‌الله قسم می‌خورد، حیدر باور نمی‌کند و می‌گوید اگر به مطلع غزلم “دلا مجنون صفت خود را خلاص از قید عالم کن / ره صحرای محنت گیر و رو در وادی غم کن” قسم بخوری، باور می‌کنم! (همان: ۱۶۸ و ۱۶۹).

وی زمانی، قصیده‌ای در مدح شاه‌طهماسب صفوی گفته و چون برای اظهار آن به حضور شاه رسیده و شاه نام و نشان وی را پرسیده، در جواب می‌گوید: صاحب قصیده “دلا مجنون صفت” هستم. به گفته گلچین معانی، این ساختگی به نظر می‌رسد؛ زیرا اولاً این بیت، مطلع یک غزل حیدر است و نه قصیده و ثانیاً اگر حیدر هر وی شاعری گمنام و ناشناخته بود، چگونه می‌توانست به حضور شاه‌طهماسب راه یابد. (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ص ۳۴۹)

قصیده‌ای که در مدح شاه‌طهماسب سروده، شامل چیستان و لغزی بدیع و نغز است درباره شمشیر که در تذکره نصرآبادی ابیاتی از آن آورده شده است:

آن چیست کآهین تن و سیمین برآمده	خونریز چون بتان پری پیکر آمده
هاروت وار رفته گهی سرنگون به چاه	گاهی ز چه چو یوسف مصری درآمده
پوشیده گاه خلعت مشکین دلفریب	گاهی برهنه صف‌شکن لشکر آمده
آن را که بر میان زده افتاده از کمر	وآن را که بر سر آمده از پا درآمده
بسته برای خدمت شاهان دو جا کمر	حلقه به گوش خسرو دین‌پرور آمده
خاقان عرش مرتبه طهماسب آن‌که او	از هرچه دل خیال کند برتر آمده

(نصرآبادی، ۱۳۵۲: ۴۹۶)

ظاهراً حیدر از نظر وضع اقتصادی در حال و روز خوبی نبوده و به‌همین علت مانند بسیاری از شعرای زمان خود به هندوستان سفر کرده است. هند در این زمان به علت بذل و بخشش‌های بی‌حد و حصر برخی

از امرای شعر دوست آن، مورد توجه شاعران قرار گرفته بود. اینکه آیا حیدر در آنجا به خوشبختی برخورد کرده یا نه، مشخص نیست (احمد، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

حیدر هروی سفری به سند نیز داشته و مورد اکرام و توجه شاه‌حسن ارغون فرمانروای آنجا قرار گرفته و چندی در آن دیار به سر برده است. میرمعصوم بکری، نام حیدر کلوچ را ذیل نام شعری که با شاه‌حسن ارغون معاصر بوده و با وی مراد داشته‌اند، ذکر می‌کند (معصوم بکری، ۱۳۸۲: ۲۹۶). گفته‌اند وی در مدح شاه‌حسن، قصایدی گفته که این قصاید در دست نیست. وی هنگام بازگشت از سند، در گذشته است.

برای سال وفات حیدر هروی، سه تاریخ ذکر شده که هر سه تقریباً نزدیک به هم هستند. *آشکده آذر* وفات او را به سال ۹۵۹ ه.ق و در هرات نوشته است (لطفعلی بیگ شاملو، ۱۳۳۸: ۷۶۴). *کوپالوی در نتایج-الافکار* به سال ۹۴۸ ه.ق اشاره کرده و می‌گوید: «چندی در آنجا (سند) به سر برده و به سبب عدم توافق به حصول زاد و راحله راهی وطن گشت و تا قصبه پات [پاتره] قریب سیوستان فایز شده و در سنه ثمان و اربعین و تسعمائه همانجا درگذشته» (۱۲۸۵: ۱۷۹). ظاهراً این تاریخ در تذکره غنی نیز، سال مرگ وی شمرده شده است (لطفعلی بیگ شاملو، ۱۳۳۸: ۷۶۳). تاریخ سوم وفات حیدر هروی را صاحب *الدریعه* و به سال ۹۵۸ ه.ق ذکر می‌کند.

سام میرزا، شمار ابیات دیوان حیدر را ده‌هزار بیت نوشته است (سام میرزا، ۱۳۱۴: ۱۱۵). در تذکره *ید بیضا* نیز به وجود همین تعداد بیت از او اشاره شده است (احمد، ۱۳۸۵: ۱۷۰)؛ ولی صاحب تذکره *نتایج‌الافکار* نوشته که حیدر، تنها دیوان مختصری از تصنیفات خود گذاشته که با توجه به نسخ خطی موجود از دیوان حیدر هروی، این دیدگاه صحیح‌تر به نظر می‌رسد. همچنین در دو تذکره *عرفات‌العاشقین* و *خلاصه‌الافکار*، دیوان حیدر مشتمل بر حدود سه هزار بیت دانسته شده است.

حیدر هروی یک دیوان شعر دارد که شامل غزلیات وی است. در برخی نسخه‌های خطی موجود، تعدادی رباعی نیز وجود دارد. صاحب *الدریعه*، به وجود ساقی‌نامه‌ای از این شاعر اشاره کرده است که این ساقی‌نامه در نسخه کتابخانه بادلیان موجود است. اما به جز یک قصیده که در تذکره‌ها به نام شاه‌طهماسب، به او نسبت داده‌اند، قصیده دیگری در نسخ موجود از دیوان وی مشاهده نمی‌شود.

## ۲. وضعیت شعر در دوره شاعر (قرن دهم)

به طور کلی در قرن ده، با دو جریان شعری مواجهیم: «یکی همان شعر لطیف و فصیح باباغانی بود که به صورت طبیعی شعر حافظ را به لحاظ رقت معانی و ظرافت به سوی سبک هندی می‌کشاند و دیگری مکتب وقوع است که اولاً حاصل چاره‌اندیشی شاعران تغییر سبک و رهایی از مخصصه تقلید و ابتذال بود، اما نهایتاً راه به جایی نبرد و ثانیاً بازتاب طبیعی محیط اجتماعی قرن دهم بود» (شمیسا، ۱۳۸۲: ۲۷۰).

جریان اول که به‌ویژه در نیمه نخست قرن دهم رواج دارد، با طرز سخن باباغانی آغاز می‌گردد. وی بیانی ساده و روان و در عین حال استوار و به دور از تکلف دارد که با نکته‌سنجی و مضمون‌آفرینی همراه است. «غزلیات فغانی اکثر یک‌آهنگ و یکدست و با معانی و الفاظ ساده، خوش و شیرین شده و چنان است که در سرتاسر دیوان اشعار او یک لغت مشکل یا یک مضمون پیچیده نمی‌یابیم و همین امتیاز است که عارف شیرازی او را در در طرز غزل، ثانی خواجه حافظ دانسته است» (باباغانی، ۱۳۴۰: ۲۷). سبک بیان فغانی مورد توجه و تتبع بسیاری از شعرا قرار گرفت به‌طوری که «اکثر استادان زمان مثل مولانا وحشی یزدی و مولانا نظیری نیشابوری و مولانا ضمیری اصفهانی و خواجه حسن ثنایی و مولانا عرفی شیرازی و حکیم شفایی اصفهانی و حکیم رکنای مسیح کاشی و مولانا محتشم و غیرهم متبّع و مقلّد و شاگرد و خوشه‌چین خرمن طرز و روش اویند» (واله‌داغستانی، ۱۳۸۴: ۹۱۰).

پیروی از سبک شعری فغانی در اوایل سده دهم به وقوع‌گویی منجر شد، به‌طوری که این مکتب در نیمه دوم همان قرن، به کمال رسید و تا اوایل قرن یازدهم هجری ادامه پیدا کرد. شاعران این مکتب شعری، به بیان حالات عشق و عاشقی از روی واقعیت و حقیقت می‌پرداختند، لذا آن را «وقوع» نامیدند و بسیاری از شاعران که در این مکتب شعر می‌سرودند، تخلص و قوعی داشتند. شعر وقوع، شعری ساده و بی‌پیرایه و به دور از صنایع لفظی و ادبی بود. «در زبان وقوع دیگر جناس لفظی و معنوی و ارسال‌المثل و ردالعجز علی‌الصدر و ابهام و ابهام و مانند اینها وجود نداشت، بلکه صاف و صریح زبان حال بود و بیان واقع» (گلچین معانی، ۱۳۴۸: ۱).

### ۳. ویژگی‌های سبک شعر حیدر هروی کلوج

شعر حیدر هروی در مجموع شعری ساده است و در عین نزدیکی به شعر باباغانی به‌ویژه در حوزه سادگی زبان، خصوصیات مکتب وقوع را نیز در خود دارد.

غزل‌های وی، غالباً کوتاه است و به‌ندرت از شش، هفت بیت فراتر می‌رود. فقط در چند مورد شمار ابیات به هشت می‌رسد. چند غزل چهاربیتی نیز دارد که ممکن است ابیاتی از آنها افتاده باشد یا خود شاعر آنها را تکمیل نکرده باشد. هم‌چنین به‌جز دو سه غزل، بقیه غزل‌ها دارای تخلص شعری «حیدر» هستند.

به لحاظ زبانی، در دیوان حیدر هروی، برخی مختصات زبانی شعر این دوره، از جمله به‌کارگیری لغات عامیانه مانند «رومال، پامال» که صورت گفتاری رویمال و پایمال هستند، مشهود است. در این دوره زمانی یعنی عهد صفوی، زبان فارسی نسبت به پیش از آن دچار دگرگونی‌هایی شده بود که به‌صورت «ساده‌تر شدن برخی از واژه‌ها، تغییر یافتن معنی بعضی از آنها، متداول شدن واژه‌های تازه، رواج یافتن تعبیرها و



ترکیب‌های نو تحقیق می‌یافت» (صفا، ۱۳۷۰: ۴۳۷). در این بین، سادگی زبان حیدر هروی امری مشهود است. تأثیر لهجه و گویش هروی در شعرش چندان دیده نمی‌شود جز در چند نمونه. مثلاً اصطلاح «ته-پیرهن» به معنی لباس نازک در چند غزل به‌کار رفته است:

هر صبح در چمن به ته پیرهن مرو      آزار آن بدن به نسیم سحر مکن (غ ۳۵۶)

از ویژگی‌های سبک عراقی آنچه در شعر شعرای این دوره باقی مانده و نمود دارد، رعایت تناسبات لفظی است که در شعر حیدر هم قابل مشاهده است. در این زمینه، تکرار و جناس به‌عنوان دو آرایه بدیعی، در شعر وی فراوان دیده می‌شوند که به دلیل بسامد بالایشان به بررسی آنها می‌پردازیم:

### ۳-۱. کاربرد جناس

جناس یا همجنس‌سازی که در سطح کلمه یا جمله هماهنگی و موسیقی به وجود می‌آورد، «مبتنی بر نزدیکی هرچه بیشتر واک‌هاست؛ به طوری که کلمات همجنس به نظر آیند یا همجنس بودن آنها به ذهن متبادر شود» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۳). از میان انواع جناس، حیدر هروی، بیش از همه از جناس اشتقاق (جناس کلمات هم‌خانواده)<sup>۱</sup> استفاده می‌کند. هر دو گونه این جناس در شعر حیدر هروی به وفور دیده می‌شود که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

#### جناس پسوند

- بسی جان بر لب آمد بر امید یک سخن زان لب / وزان لب کام دل حاصل نشد امیدواران را (غ ۴۴)
- با بیدلان به غیر ستم نیست کار او / بسیار بی‌وفا و ستمکار بوده است (غ ۱۰۳)
- یا پری یا ملکی آمده در جلوه ناز / کاین همه جلوه‌گری حدّ بنی آدم نیست (غ ۱۳۱)
- دلی کو آرزومند تو شد در آرزو میرد / به صد حسرت چو من بر یاد آن روی نکو میرد (غ ۱۸۱)
- گل نماند و خارخار گلرخان در دل بماند / کار گل سهل است لطف گلعداران را چه شد (غ ۲۰۹)

#### جناس ریشه

- از عمر خود نکردیم یک سجده هم چو حیدر / دل سوی بت چه حاصل سر در سجود ما را (غ ۱۱)

<sup>۱</sup> جناس اشتقاق دو گونه است: الف) جناس پسوند؛ که در آن یکی از کلمات متجانس نسبت به دیگری چند واک بیشتر، در آخر اضافه دارد و آن واک‌های اضافی در حکم پسوند یا شبه پسوند هستند: غم/غمخوار. ب) جناس ریشه؛ که در آن دو واژه حداقل در دو یا سه صامت و یک مصوت مشترکند: خواهش/خواهان (همان: ۶۴-۶۵).

- بود قصد کشتنم با صد فریب آخر تو را / ای که صید غمزه صیاد می‌کردی مرا (غ ۴۳)
  - احوال من از هجر تو بسیار خراب است / خود گوی خدا را که از این حال بتر چیست (غ ۱۲۲)
  - حیدر حدیث عشق به پایان نمی‌رسد / اینجا نه مبحثی است که گردد تمام بحث (غ ۱۵۴)
  - رضوان بر اهل دل چه نهد منت از بهشت / این قوم روضه را چو به رضوان بهشته‌اند (غ ۲۱۶)
- بعد از جناس اشتقاق، جناس زاید<sup>۱</sup> و انواع آن، جایگاه ویژه‌ای در شعر حیدر هروی دارند. وی هر سه نوع این جناس را در اشعارش به کار برده است که در ادامه نمونه‌هایی از هر نوع ذکر می‌شود:

### جناس مطرف

- تشنه می‌بینم به خون حیدر از روی ستیز / بر سر بیداد هر دم خنجر تیز تو را (غ ۵۲)
- داد از غم یاری که ندارد غم حیدر / فریاد از آن شوخ که دارد سر بیداد (غ ۱۵۹)
- تکیه بر یاری هر یار مکن کاین مردم / می‌نمایند تو را یار ولی اغیارند (غ ۲۱۹)

### جناس وسط

- حیدر از طرز غزل مایه غم شد سخنت / بس که در دل غم آن طرفه غزال است تو را (غ ۵۰)
- دی ز پیش من خرامان سرو ناز من گذشت / بود مست ناز غافل از نیاز من گذشت (غ ۱۴۲)

### جناس مدّیل

- چو حیدر از تو به هر غم که می‌رسد شادیم / همین ز خوان نوال تو بس نواله ما (غ ۶۲)
- پیمانه حیاتم اگر بشکند اجل / پیمان من به آن بت پیمان‌شکن یکی است (غ ۱۰۴)
- گر ندارد چشم مست او نظر بر حال من / هر زمانم نشئه‌ای زان نرگس مستانه چیست (غ ۱۲۳)

انواع دیگر جناس نیز در اشعار حیدر هروی مشاهده می‌گردد که بسامد آنها اندک است و نمونه‌های آنها چنین است:

<sup>۱</sup>. مقصود از جناس زاید، آن است که یکی از کلمات متجانس نسبت به دیگری یک یا چند واک در آغاز، وسط یا آخر اضافه داشته‌باشد و بر سه نوع است: الف) جناس مطرف یا مزید (مختلف‌الاول) ب) جناس وسط (مختلف‌الوسط) ج) جناس مدّیل (مختلف‌الآخر) (همان: ۶۵-۷۰).

## جناس تام<sup>۱</sup>

- خطاست نسبت مشک خطا به زلف تو جانا / چرا به زلف تو نسبت کنند مشک خطا را (غ ۷)
- وقت گل شد ساقیا جامی به چنگ آور که باز / با نوای چنگ بلبل ساز کرد آهنگ را (غ ۲۹)
- دل زنده جاوید شد از تیغ تو بنگر / فرقی که میان دم عیسی و دم اوست (غ ۱۱۰)

## جناس مرکب<sup>۲</sup>

- ای خلاص از قید دل دست گرفتاری بگیر / تا کسی هم دست گیرد در گرفتاری تو را (غ ۵۵)

## جناس قلب<sup>۳</sup>

- چه شد که به حال منت نگاهی نیست / اگر ز لطف نگاهی کنی گناهی نیست (غ ۱۳۴)

## ۲-۳. کاربرد تکرار

آنچه در نگاه اول در شعر حیدر هروی دیده می‌شود، به‌کارگیری عنصر تکرار است که به‌شکل تکرار واک (واج‌آرایی)، تکرار واژه، تکرار عبارت یا تکرار جمله قابل مشاهده است. انواع تکرار در شعر حیدر و نمونه‌هایی از آن بدین قرار است:

### تکرار واک (واج‌آرایی)

تکرار واک به صورت تکرار یک صامت یا مصوت در بیت دیده می‌شود:

- چون مرا سوخت غمش ای تب هجران تو مسوز / بیش از این سوخته آتش سودایش را [صامت س/ت] (غ ۲۵)
- گل دگر گو دعوی خوبی مکن کاین باغ را / جلوه حسن و لطافت زان گل رعنا بس است [صامت گ] (غ ۹۱)
- حیدر این طرز غزل را چاشنی دیگر است / تا ز شوق لعل شیرین شکرگفتار کیست [صامت ش و مصوت ای] (غ ۱۲۶)

<sup>۱</sup>. در جناس تام لفظ یکی و معنی مختلف است (همان: ۵۳).

<sup>۲</sup>. جناس مرکب از فروع جناس تام است که از اختلاف تکیه ناشی می‌شود (همان: ۵۶).

<sup>۳</sup>. منظور از جناس قلب، اختلاف در توزیع واک‌های مشترک کلمات است (همان: ۷۰).

- نه از نزدیک سوی من نگاهش نی ز دور افتد / نه در غیبت غم من باورش نی در حضور افتد  
[صامت ن] (غ ۱۶۱)

## تکرار واژه

تکرار واژه در شعر حیدر هروی به چند شکل نمود دارد:

تکرار یک واژه در کل ابیات غزل؛ مانند غزل‌های ۲۰، ۴۵، ۱۰۰، ۱۸۰ که در آنها به ترتیب کلمات «چشم، عید، خانه زین، گل» در اکثر ابیات غزل تکرار شده‌اند. تکرار ردیف را نیز می‌توان از همین نوع تکرار واژه در کل ابیات غزل دانست که باعث افزایش موسیقی اشعار حیدر هروی شده است. اکثر غزل‌های حیدر هروی، ردیف دارند. اغلب ردیف‌ها، یک کلمه‌ای هستند مثل غزل ۲۴۴ که در آن کلمه «ناامید» ردیف قرار گرفته است. گاهی هم ردیف به شکل یک عبارت یا جمله آمده است؛ مثل غزل ۳۷۲ با ردیف «بهرتر از این» و یا غزل ۴۰۱ با ردیف «است این همه». در مجموع استفاده از ردیف که برای تکمیل قافیه به کار می‌رود، به افزایش موسیقی شعر حیدر هروی کمک کرده است.

تکرار واژه به شکل تکرار قافیه؛ این نوع تکرار با توجه به اندک بودن شمار ابیات غزل‌های حیدر - که غالباً از هفت بیت تجاوز نمی‌کند- نه یک آرایه بدیعی که بیشتر جزو ضعف‌های شعر وی به شمار می‌آید. این تکرارها بیشتر به شکل تکرار قافیه مصرع اول در مصرع آخر غزل نمود دارد و برای نمونه در غزل‌های ۶۰، ۱۰۸ و ۲۲۳ مشاهده می‌گردد.

تکرار واژه در یک بیت؛ این نوع تکرار در میان اشعار حیدر هروی به وفور دیده می‌شود به طوری که در هر غزل، حداقل سه یا چهار بیت واژه تکراری را در دل خود دارند. این تکرار، زمانی به زیبایی شعر کمک می‌کند و یک صنعت ادبی به شمار می‌آید که در جای مناسب قرار گیرد یا تناسب معنایی ایجاد کند. ابیاتی که در آنها واژه‌ها، در اول و آخر بیت تکرار شده‌اند (رد الصدر إلى العجز) نظم و موسیقی بیشتری دارند:

- به یک سخن دل ما را بجو که عمری شد / که هست از تو تمنای یک سخن ما را (غ ۱۶)
- آرزو دارم به پایت مانده روی خویش را / چند دارم از تو پنهان آرزوی خویش را (غ ۲۸)
- عالم عشق اگر هست کسی را غم نیست / هر که را نشئه عشق است غم عالم نیست (غ ۱۳۱)
- نظری است دلبران را سوی اهل شوق حیدر / که بلای عشق نبود اگر آن نظر نباشد (غ ۱۸۷)